

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: سید مهدی طالبی، روزنامه‌نگار

فرستنده: عثمان حیدری

۱۹ دسمبر ۲۰۱۹

مهدی ازرقی، کارشناس مسائل عراق در مصاحبه با «فرهیختگان»:

زمین بازی در عراق چگونه تغییر می کند؟

کارشناس مسائل عراق، از عراق پیش‌بینی‌های نگران‌کننده‌ای در آینده نزدیک دارد؛ پیش‌بینی که یکی از آنها بروز جنگ داخلی شیعه-شیعه است.

به گزارش «فرهیختگان آنلاین»، نگرانی کشورهای همسایه عراق از تحولات این روزهای این کشور، اگر بیشتر از مردم عراق نباشد، به اندازه آنان است. منطقه غرب آسیا سال‌ها قبل دید که ناامنی در یک کشور به چه سرعتی می‌تواند به همسایگان هم تسری پیدا کند. این روزها در عراق بیش از تعداد معترضان، حجم خشونت‌ها همه را نگران کرده است. قتل و به دار آویختن یک نوجوان ۱۶ ساله یتیم آن هم به شکلی بسیار خشونت‌آمیز، خیلی از معادلات سیاسی در عراق را دستخوش تغییر کرده است. درباره آینده عراق و تحولات احتمالی در این کشور با «مهدی ازرقی»، کارشناس مسائل عراق مصاحبه کرده‌ایم. او از عراق پیش‌بینی‌های نگران‌کننده‌ای در آینده نزدیک دارد؛ پیش‌بینی که یکی از آنها بروز جنگ داخلی شیعه-شیعه است. متن این مصاحبه را در ادامه می‌خوانید.

با استعفای دولت، همان خطری که بسیاری درباره آن هشدار می‌دادند، یعنی خلأ سیاسی در عراق به‌نوعی حاکم شده است. الان هم محمد شیاع السودانی یکی از گزینه‌های نخست‌وزیری است، اما به نظر می‌رسد غلبه فضای آتارشی بر اعتراضات، تشکیل دولت جدید را با مشکل جدی مواجه کند. چقدر احتمال تشکیل دولت در عراق می‌تواند جدی باشد؟ ساختار سیاسی عراق و تقسیم قدرت میان لایه‌های سیاسی، به‌گونه‌ای است که نمی‌توان گفت کدام جریان حرف آخر را می‌زند. این مسأله نیز به دلیل ساختارهایی است که پس از سقوط صدام ایجاد شده است. از طرف دیگر، برخی جریان‌های اجتماعی در عراق وجود دارند که به خاطر تضاد منافع وحدت آنها بر سر یک گزینه به‌سختی شکل می‌گیرد. در عراق چنین جریان‌هایی بیشتر به شکل عشیره‌ای و متأثر از جریان‌های سیاسی منتسب به خود تصمیم می‌گیرند. انتخاب نخست‌وزیر در شرایط فعلی عراق نقطه عطفی در وضعیت سیاسی این کشور به حساب می‌آید. نخست‌وزیری که پس از این اتفاقات روی کار بیاید نشانه‌ای از شکل‌گیری یک قدرت جدید خواهد بود. این اتفاقات به معنای ورود عراق به مرحله‌ای دیگر و وضعیت سیاسی متفاوتی است که در آن نخست‌وزیر با توجه به تغییرات آتی قانون انتخابات نقش مقتدرانه خواهد داشت.

علیرغم تمام این مسائل، جریان‌های سیاسی عراق در زمانی کوتاه برای رسیدن به یک گزینه واحد به توافق نخواهند رسید. پیش‌بینی می‌شود حداقل تا یک سال آینده عراق نمی‌تواند دولت مقتدر و باثباتی را به خود ببیند، زیرا گزینه‌ای که به تازگی برای نخست‌وزیری مطرح شده (شیاع السودانی) هم با خواست و چارچوب‌های بیان‌شده معترضان هم‌راستا نیست؛ معترضان اعلام کرده‌اند نخست‌وزیر آینده عراق نباید عضو و منتسب به جریان‌های سیاسی باشد. السودانی دو دوره وزیر کار بوده و الان هم نماینده پارلمان و عضو ائتلاف دولت قانون نوری المالکی است. این سوابق با آن ویژگی‌هایی که معترضان می‌خواستند نمی‌خواند و از سوی آنها مورد تأیید نیست. بعد از مطرح شدن السودانی به عنوان گزینه نخست‌وزیری، چهره‌های رسانه‌ای وابسته به صدر با نام «محمدصالح العراقی» پیامی را در توئیتر مبنی بر مخالفت با وی منتشر کرد. روز گذشته نیز یکی از نماینده‌های ائتلاف الفتح در پارلمان اعلام کرد که نام السودانی برای نخست‌وزیری مطرح نیست. حالا شاید منظورش این بوده که او نامزد جریان الفتح نیست. این مسائل نشان می‌دهد انتخاب نخست‌وزیر موضوع زمانبری خواهد بود. خواسته‌های طرف‌های حاضر در فضای سیاسی عراق هرکدام سمت‌وسوی متفاوت با دیگر طرف‌ها دارد.

معترضان و برخی جناح‌های سیاسی بر سر این که چه چیزی را نمی‌خواهند اتفاق نظر دارند اما درباره این که چه چیزی را می‌خواهند متفق نیستند. به غیر از این موضع بازیگران خارجی نیز در وضعیت فعلی عراق مؤثر است. این بازیگران می‌خواهند به بحران عراق دامن بزنند و این کشور را بار دیگر به دوره بی‌ثباتی و ناامنی بازگردانند. روشن است منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی در ناامنی عراق است که یکی از الزامات آن نبودن دولتی مستقل و مقتدر در بغداد است.

اعتراضات عراق در حال ورود به چهارمین ماه خود است. از همان ابتداء یک مسأله نگران‌کننده خشونت موجود در بین معترضان بود. پنجشنبه گذشته هم تظاهرات‌کنندگان در میدان الوثبة بغداد نوجوانی ۱۶ ساله را به طرز فجیعی به قتل رساندند. علیرغم آن که این اقدام توسط برخی تظاهرات‌کنندگان محکوم شده اما فلم‌ها و تصاویر منتشرشده از این جنایت نشان‌دهنده حضور همگانی و رضایت آنها در این جنایت دارد. چرا اعتراضات مدنی به اینجا کشیده شد؟ نتیجه حاکم نبودن دولتی مستقل و مقتدر بر یک جامعه، چنین درگیری‌ها و نزاع‌هایی است. در این فضای گروه‌های حاضر در جامعه فکر می‌کنند حق دارند به هر شخصی که آنان مخل امنیت می‌دانند، حمله کنند و حتی او را به قتل برسانند. این طبیعت جامعه‌ای است که یک حاکم مقتدر بر آن ریاست ندارد. ما کاری به علت این اتفاق نداریم، این که آیا آن نوجوان اقدام به تیراندازی کرده یا نه یا این که او تنها از معترضان خواسته است از منزلش فاصله بگیرد. اصل ماجرا این است که یکسری از ترورها و اتفاقات خشونت‌آمیز در عراق اتفاق می‌افتد تا بار دیگر التهابات به اوج برسد. مسائلی مانند قتل این نوجوان و دیگر کشتارها می‌تواند زمینه‌ساز ورود نهادهای بین‌المللی به بهانه ناامن بودن این کشور به عراق باشد. این اتفاق فارغ از دلایلش وارد کردن عراق به صحنه یک درگیری خشونت‌آمیز است. به نظر بنده اتفاق پنجشنبه تبدیل به سکوی پرشی برای ورود معترضان به درگیری‌های خشونت‌آمیز با نیروهای امنیتی خواهد شد؛ درگیری‌هایی که خارج از توان نیروهای نظامی و امنیتی عراق است.

معتراضانی که این روزها همچنان در خیابان‌های عراق حضور دارند، وابسته به چه جریان‌هایی هستند؟ چندان تفکیک‌پذیر نیست. اما آنچه در صحنه دیده می‌شود تنوع و گوناگونی مردم از اقشار و گروه‌های سنی مختلف و به‌ویژه جوانان و نوجوانان است. زنان هم حضور دارند. البته جمعیتی که در میدان التحریر مستقر شده، خیلی زیاد نیستند. یعنی این‌طور نیست که بگوئیم کل مردم عراق معترض اند. معترضان در مقاطع ویژه و در طیف‌های خاص خوب دیده می‌شوند؛ مثلاً شب‌ها ساعت ۹ به بعد برنامه‌های فرهنگی مثل سرود و نمایش اجرا می‌شود و مردم می‌آیند

و به جمعیت اضافه می‌شوند. معمولاً هم فلم‌هایی که از بالا گرفته می‌شود تا تعداد معترضان را نشان دهد، مربوط به همین ساعات شب است. طی روز جمعیت پراکنده‌تر است و تعداد کمتری در میدان التحریر و سایر مکان‌ها حضور پیدا می‌کنند. علاوه بر این در مواقعی که دانشجویان و دانش‌آموزان دسته‌جمعی به میدان می‌آیند، اعتراضات بازتاب خبری ویژه‌ای پیدا می‌کند. در استان‌های مختلف گروه‌های پراکنده هر از چندگاهی اقدام به برگزاری راهپیمایی می‌کنند و فلم می‌گیرند. اما در پشت این اعتراضات، کسانی که به شکل ثابت حضور دارند، در سه دسته قابل‌تفکیک اند؛ یک دسته شخصیت‌های فرهنگی یا همان سلبریتی‌ها اعم از خواننده، بازیکن فوتبال و... هستند که در راستای تهییج معترضان به تداوم اعتراضات تلاش می‌کنند. دسته دیگر گروه‌های سیاسی عمدتاً وابسته به مقتدی صدر و حیدر العبادی هستند که با استعفاي دولت جایگاه و سهمیه بیشتری طلب می‌کنند. گروه سوم هم حلقه‌های پنهان مثل سفارت امریکا و عربستان هستند که به صورت غیرمستقیم و از طریق منابع مالی یا برگزاری دوره‌های آموزشی، لیدرهایی را تربیت کرده‌اند و توانسته‌اند روی اعتراضات اثر بگذارند.

ماهیت دخالت صدر در این اعتراضات چیست؟ برخی می‌گویند نیروهای صدر در توسعه خشونت و حتی کشتن نوجوان عراقی شرکت داشته‌اند؟

شرکت داشتن‌شان به این معناست که بخشی از گروهی که این جنایت را مرتکب شده‌اند، منتسب به صدراند. ظاهراً صدری‌ها هم به این اتفاق واکنش نشان داده‌اند و گفته‌اند باید عوامل این اتفاقات شناسایی و مجازات شوند.

با گسترش خشونت‌ها امکان دارد اعتراضات تبدیل به جنگ شیعه- شیعه شود؟

این یک تحلیل جدی از واقعیت عراق است. هم کسانی که به شکل میدانی در عراق حضور دارند و هم کسانی که روندهای جریان‌های سیاسی عراق را دنبال می‌کنند، می‌گویند مسیری که عراق در حال طی کردن آن است، دیر یا زود به این نقطه می‌رسد. پیش‌بینی من خصوصاً بعد از جنایت روز پنجشنبه، این است که تا دوماه آینده درگیری‌ها شکل جدیدی به خود می‌گیرد.

حشدالشعبی یکی از گروه‌های مورد هدف اعتراضات بود. برخی جریان‌ها می‌خواهند به این گروه لطمه بزنند. چقدر احتمال دارد این نیرو تضعیف شود؟

پروسه تضعیف و حذف حشدالشعبی، بعد از اعتراضات آغاز شد. اولین اظهارات در این باره بعد از اعلام شکست داعش طرح و ادعا شد که فلسفه حشدالشعبی مبارزه با داعش است، حالا که داعش شکست خورد به حشدالشعبی نیازی نداریم. بعد از این مسأله، موضوع لزوم تحویل سلاح گروه‌های نظامی پراکنده و درنهایت موضوع ادغام ساختار حشدالشعبی با ساختارهای نظامی عراق مطرح شد. مخالفت قبل از اعتراضات با حشدالشعبی به بعد از اعتراضات هم کشیده شد و برخی جریان‌ها می‌خواهند هر اتفاقی که می‌افتد آن را به‌نوعی به حشدالشعبی مربوط کنند. مثلاً می‌بینیم که درگیری‌های تصنعی در بغداد و حاشیه اعتراضات ناگهان شکل می‌گیرد. نیمه‌شب گروه‌هایی برای دفاع از معترضان به میدان می‌آیند تا با گروه‌های ناشناس درگیر شوند. در میانه این درگیری تعدادی از معترضان کشته می‌شوند و بعد ادعا می‌شود گروه حمله‌کننده حشدالشعبی و کتائب حزب‌الله و عصابات اهل حق و گروه دفاع‌کننده گروه منتسب به جریان صدر است. یکی از دلایلی که برخی جریان‌ها به دنبال انحلال حشدالشعبی هستند به خاطر ارتباط سازمان با جمهوری اسلامی است. مشخص است که اغلب فرماندهان حشدالشعبی، آموزش‌ها و ساختارهایی که شکل گرفته با همراهی، مشورت و حضور جمهوری اسلامی بوده است؛ خصوصاً فرماندهان این سازمان از ابومهدی مهندس تا هادی العامری سال‌های طولانی در ایران بودند. اغلب گروه‌های سیاسی عراق به‌نوعی با جمهوری اسلامی در ارتباط بودند. مجموع این شرایط باعث شده برخی در عراق تحت‌تأثیر شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های غربی، به این جمع‌بندی برسند که

گروه‌های سیاسی ما اغلب تحت نفوذ جمهوری اسلامی هستند، بنابراین ناکارآمدی دولت عراق نتیجه حضور آدم‌های وابسته به ایران است. با این نگاه می‌گویند حشدالشعبی هم به ایران وابسته است، بنابراین حشد هم عنصر نامطلوب است. وقتی می‌خواهند ایران را بزنند، حشدالشعبی را هم می‌زنند. البته این تحلیل از کلیت عراق نیست. به عنوان مثال سال ۸۸ عراقی‌ها از ما می‌پرسیدند چرا ایران این‌طوری شده است؟ فکر می‌کردند کل ایران درگیر اعتراضات است، در صورتی که این‌گونه نبود. قضیه عراق هم مثل اعتراضات سال ۸۸ ایران است، ولی با توجه به نبود ساختار قدرت، ممکن است همان تعداد کم به واسطه تصاویر منتشرشده و قدرت سیاسی و نظامی، مسیر دیگری برای عراق رقم بزنند.

در آینده چه باید کرد و چه اتفاقاتی احتمال دارد در عراق رخ دهد؟

من چند نکته ناظر به آینده و نقش جمهوری اسلامی دارم و آن این که چطور می‌تواند زمین بازی را تغییر دهد. زمین بازی طراحی‌شده در عراق، طراحی امریکا برای امتیازگیری، جبران شکست‌های دیگر و تسلط بر عراق است. اگر بخواهیم در این زمین با همین روند بازی کنیم، قطعاً شکست می‌خوریم. تنها ستراتیژی برای اصلاح این روند، تغییر زمین بازی است، یعنی باید بتوانیم روی بازیگران عراق و تحولات آن تغییر ایجاد کنیم تا خروجی اعتراضات را به سمت دیگر ببریم. الان اگر همه گروه‌های سیاسی بر سر نخست‌وزیر آینده به توافق برسند، مقتدی صدر به توافق نمی‌رسد، چون گزینه‌های مطلوب خودش را دارد. ما باید روی این بازیگران و از جمله جریان صدر تأثیر بگذاریم. ما نمی‌توانیم با این جریان یا آن جریان صحبت کنیم که نخست‌وزیر انتخاب کنید. در این وضعیت ما بازنده‌ایم، چون قطعاً نخست‌وزیر آتی نمی‌تواند مسیر قبلی‌اش با ایران را ادامه بدهد. نخست‌وزیر آتی از سمت جامعه، جریان‌های سیاسی و همچنین امریکا تحت فشار است. ما همین الان یک‌چیزی را از دست دادیم. به نظر می‌رسد هدف ما فقط انتخاب نخست‌وزیر است. این دقیقاً همان طراحی امریکا است. به احتمال بسیار زیاد با بهتر بگویم در حد قطعی، یکی از اقدامات نخست‌وزیر بعدی، انحلال حشدالشعبی است. بعد از ادغام ساختار حشدالشعبی، اختیار تصمیم‌گیری در مورد این نیرو به نخست‌وزیر رسیده است. ادغام در ارتش در دوره عبدالمهدی با این فرض انجام شد که نخست‌وزیر همراه با حشدالشعبی است. در دوره او حشدالشعبی می‌توانست جایگاه باثباتی پیدا کند تا مقامات بعدی دیگر نتوانند حذفش کنند، ولی این تغییر عبدالمهدی و در شرایطی که ساختارهای این نیرو به ساختار اصلی تبدیل نشده و در حد وسط است، به معنای خطر بزرگ است. احتمال انحلال حشدالشعبی بالاست و این را باید دست‌اندرکاران بحث عراق مدنظر قرار دهند.